

۸ پیشنهاد برای دیدن، شنیدن، خواندن، رفتن و تماشا کردن

از گل بو فیوضی

آخر هفته

انجام دهید

موسیقی

۱. گوش کنید به نوای ساز کیهان کلهر

شهر خاموش اینجاست

کنسرت «شهر خاموش» تا ۵ بهمن در تالار وحدت ۱۳۹۸

«شهر خاموش» نام آلبومی است که کیهان کلهر و کوارتت زهی امریکایی، بروکلین رایدر، در سال ۲۰۰۸ (۱۳۸۷) منتشر کردند. آشنایی کیهان کلهر و اعضای کوارتت زهی بروکلین رایدر به سال‌ها پیش و پروژه جاده ابریشم برمی‌گردد. (پروژه‌ای که در آن، یویوما، موزیسین چینی- امریکایی معروف، نوازنده‌ها و آهنگسازهایی از فرهنگ‌ها و ملیت‌های مختلف را فراخواند و فعالیت‌های هنری، فرهنگی و آکادمیک را در زمینه موسیقی با هدف تعامل و آشنایی فرهنگ‌ها و ملیت‌های مختلف آغاز کرد).

این کنسرت با همین نام در این شب‌ها در تالار وحدت اجرا می‌شود. این روزها شاید مناسب‌ترین زمان باشد برای اجرای دوباره این قطعات. آنچه در این اجرا می‌شنویم موسیقی ایرانی، موسیقی نواحی ایران و موسیقی خاورمیانه است. در این قطعات برای کوارتت زهی، یک ساختار و جمله‌بندی ساده و مینیمالیستی در نظر گرفته شده است و در مقابل، در اجرای کمانچه نوآوری‌ها و پیچیدگی‌هایی می‌بینیم.

اصلی‌ترین و طولانی‌ترین قطعه این آلبوم قطعه «شهر خاموش» است که ترکیبی از بداهه‌نوازی و قطعه‌ای از پیش نوشته شده است، در واقع فرم اصلی قطعه نوشته شده اما نحوه اجرا و سرعت آن برعهده نوازندگان است. کیهان کلهر درباره این قطعه چنین می‌گوید: «این قطعه به (قربانیان) بمباران شیمیایی شهر کردنشین حلبچه تقدیم شده است. به هر صورت (این بمباران) تأثیر بدی روی دنیا گذاشت و کار بسیار زشتی بود و هر کسی تأثیری گرفته و حالا اگر در کار هنری فعالیت داشتند، سعی کردند به نحوی آن را نشان دهند. به هر صورت من هم تحت تأثیر این واقعه قرار گرفتم و سعی کردم که این قطعه را به آنها تقدیم کنم. امیدوارم که وقتی چنین قطعات هنری‌ای از مسائل اجتماعی صحبت می‌کنند، باعث شود که سیاستمداران مثل انسان فکر کنند و فکر کنند که تصمیمات‌شان چه تبعاتی خواهد داشت.»

تئاتر

۲. بروید به تماشای نمایش «مری پاپینز»

غرق شدن در خاطره‌ها

تالار وحدت

شاید خیلی از آنها که تئاتر برایشان یک مقوله خیلی جدی است، با این دست نمایش‌ها خوشحال نباشند. بگویند اینها تئاتر نیست، از اصالت اجرا دور است یا حتی سخیف است. شاید خیلی‌ها بگویند چه کاری است بازتولید فیلم‌های هالیوودی. بسیاری لابد معتقدند که چرا این همه هزینه و تجمل، در حالی که با همان بودجه، گروه‌های کوچک و تجربی می‌توانند کارهای فراوانی انجام دهند. این دغدغه‌ها همه محترم است اما نگارنده به «خاطره» معتقد است. به صحنه رفتن داستان فیلم‌های دوران طلایی سینمای امریکا بخشی از کودکی و نوجوانی ماست که حالا در میانسالی یک بار دیگر شوق موسیقی و آن روزهای خوش بی‌درد را زنده می‌کند. این اما اصل مطلب نیست. اتفاق جدی و متداول در سالن‌های بزرگ و لوکس همه دنیا همین دست نمایش‌هاست. نمایش‌های پرپرسوناژ از داستان‌های قدیمی با تعداد شب‌های زیاد اجرا که به جریان اصلی نمایش‌های برادوی معروف است و کارش این است که به مخاطب حال خوش بدهد. همیشه قرار نیست برویم در سالن تئاتر و یک اجرای خلاقانه با مفاهیم عمیق فلسفی- اجتماعی بشنویم. تئاترهای موزیکال یا غیر موزیکال زیادی در سرتاسر جهان اجرا می‌شوند تا شما بروید و ساعتی در صندلی آن سالن خودتان را بسپارید به روایت و موسیقی روی صحنه. اگر وامدار یک فیلم از خاطره یک نسل هم باشد که چه بهتر. می‌شود نشست و تمام آن روزهای خوش رفته را دوباره مرور کرد؛ جای خالی همه آدم‌های کودکی. جای خالی آن خوشبختی شفاف در دسترسی که مثل غبار گذشت و در هوا رفت. حالا این شب‌ها اگر دل‌تان کمی فراغت و موسیقی می‌خواهد، بروید به تماشای نمایش مری پاپینز در تالار وحدت. این نمایش را احمد سلیمانی کارگردانی کرده است و تئاتر با مشارکت ارکستر ایستگاه به رهبری منوچهر صهبایی اجرا می‌شود. بهنوش طباطبایی نقش مری پاپینز را بازی می‌کند. در کنار او مهراوه شریفی‌نیا، آرمین رحیمیان، کاظم سیاحی و چند چهره دیگر روی صحنه این نمایش می‌روند.

هنرهای تجسمی

۳. تماشا کنید مجسمه‌های محمدرضا خلجی را

میانه رشد و زوال

۴ تا ۹ شب در گالری ایرانشهر تا ۱۳ دی

محمدرضا خلجی متولد سال ۵۳ که فارغ‌التحصیل رشته مجسمه‌سازی از دانشگاه تهران است با پیکره‌های برنزی‌اش شناخته می‌شود. او انسان معاصر را در وضعیت معلق و بی‌ثباتش، در ترکیب‌هایی نامعمول با اشیای روزمره یا واجد اعضای اضافی تصویر می‌کند. پیکره‌های برنزی او از نظر کیفی چشمگیر و همراه با پرداخت ظریف و استادانه‌اند و اغلب با عناصر زیبایی شناسانه بومی مانند خطاطی تزئین می‌شوند. او تا کنون در چندین نمایشگاه گروهی و انفرادی شرکت کرده است که می‌توان به نمایشگاه گروهی مجسمه سازان ایران- مکزیک و بینال مجسمه سازی تهران اشاره کرد. مجموعه اخیر محمدرضا خلجی که با آلومینیوم و مس اجرا شده است، تحول قابل توجهی را به نمایش می‌گذارد. در این مجموعه کیفیت فنی قابل ملاحظه و بافت‌های زمخت و بیانگر ظاهر می‌شود و خوردگی‌ها، سوختگی‌ها، ریزش‌ها و فرسایش‌ها دریچه‌ای به زبان جدیدی در پیکره‌سازی هنرمند می‌گشایند. پیکرها بیش از پیش به انتزاع تمایل دارند و ساختارهای محدودکننده اجتماع، سنت، فشارها و چالش با آنها، در قالب فشار بر بدنه پیکره و نیز پاهایی که تنها اشاره‌هایی از آنها از درون آثار پیدا است، به نمایش درمی‌آیند. سطوح پاره شده و ترکیده، ریختگی فرم و کشیده شدن سطوح زیر فشار؛ در کنار وجوه زیبایی شناسانه، پرداخت ظریف و قلم‌زنی ثلث، ترکیبی کلاژگونه خلق می‌کند که دو روحیه مختلف و نامتجانس را کنار هم می‌نشاند و بخش‌های هر مجسمه را با یکدیگر به گفت‌وگو درمی‌آورد. هلیا دارابی درباره این نمایشگاه چنین نوشته است: «آثار این مجموعه نه لزوماً در محور عمودی بلکه در جهات گوناگون گسترش یافته‌اند و فضای بینابینیِ معماری و مجسمه یا نقاشی و مجسمه بر آثار حکمفرما است. پیکره‌ها از برخورد فیگوراتیو دقیق، پرداخت‌شده و پرجزئیاتِ پیشین به سمت نوعی انتزاع بی‌فرم حرکت کرده‌اند. این تکانه‌های بی‌فرم راه خود را از دل متریال می‌گشایند؛ خصلت متریال و روند در آنها مشخص است و روندی آرام، مانند رشد سلولی یا زنگ زدن فلز دارند: روند زیستیِ رشد و زوال.»

سینما

۴. ببینید فیلم‌های خارجی را در خانه سینما

فرصتی برای فیلم دیدن

کانون فیلم خانه سینما

کانون فیلم خانه سینما از دی ماه نمایش و نقد فیلم‌های خارجی را به برنامه‌های خود اضافه می‌کند. این سری جلسات روزهای سه‌شنبه ساعت ۱۸ در سالن سیف‌الله داد خانه سینما برگزار می‌شود. خانه سینما که پیش از این سال‌های شب‌های فیلم‌بینی و نشست‌های تخصصی برگزار می‌کرد باری دیگر نمایش فیلم‌های خارجی را از سر گرفته است. فرصت مناسبی که فیلم‌های مهم تاریخ سینما را با هم ببینیم و پس از آن نظر یک متخصص را درباره فیلم بشنویم. زمانی برای با هم بودن با هم دیدن و با هم آموختن. در اولین سه‌شنبه از شب‌های پخش فیلم خارجی در کانون فیلم خانه سینما، فیلم «کازابلانکا» ساخته مایکل کورتیز به نمایش درمی‌آید. هامفری بوگارت، اینگرید برگمان و پل هنرید بازیگران اصلی فیلم هستند و این اثر در سال ۱۹۴۲ ساخته شده است. «کازابلانکا» موفق به کسب سه جایزه اسکار بهترین فیلم، بهترین کارگردانی و بهترین فیلمنامه شده است. فیلم مهمی که پس از آن بارها دستمایه ساخت فیلم‌هایی از این دست قرار گرفت و آن داستان عاشقانه در روایت‌های گوناگونی دوباره شنیده شد. این سه‌شنبه، ۱۰ دی ماه پس از نمایش فیلم، ناصر صفاریان درباره آن صحبت می‌کند. فرصتی برای تبادل نظرات و شنیدن پیرامون همه وجوه روایی تا تکنیکی اثر. زمانی که می‌شود جزو زندگی حسابش نکرد. وقت خوش گم شدن در سودای عاشقانه نور و رنگ و حرکت. اگر برایتان جذاب است، اگر فرصت دارید، اگر آلودگی هوا اجازه می‌دهد و به شما آسیب نمی‌رساند می‌توانید برای حضور در این برنامه به این نشانی: خانه سینما، واقع در خیابان بهار، خیابان سمنان، شماره ۲۹ مراجعه کنید.